

# SCO

کانون آرمان شریعتی

SCO1385@Gmail.com

آزادی همیشه پشتِ درِ خانهٔ ماست



تقی رحمانی

شماره مقاله : ۱۰۳۰

تعداد صفحه : ۵

آفرین بررسی : ۸۸/۰۸

تاریخ تمریر : ۱۳۸۷

[www.shandel.org](http://www.shandel.org)

موضوع : گفتگوی سارا سماواتی با تقی رحمانی

## آزادی همیشه پشتِ درِ خانه ماست

تقی رحمانی قرار بود به عنوان یکی از تلاش‌گرانِ حقوقِ بشر در ایران، جایزهٔ کوروشِ کبیرِ کانونِ مدافعانِ حقوقِ بشر را دریافت کند. مراسمِ اهدای این جایزه به علتِ پلمب شدنِ دفترِ کانونِ مدافعانِ حقوقِ بشر، انجام نشد. با وی در این مورد گفت و گو کرده‌ایم.

س: آقای رحمانی! با تبریک به شما و تأسف از عدم اجرای مراسم، قبل از همه به ما بگویید که این جایزه تحت چه عنوانی به شما تعلق گرفته است؟

ج: من چند روز پیش مطلع شدم که کانونِ مدافعانِ حقوقِ بشر جایزهٔ سالانهٔ خود را، هم به عنوانِ "قربانی" و هم به عنوانِ "فعالِ حقوقِ بشر" به من اختصاص داده است.

س: فعالِ حقوقِ بشر شاید واژهٔ آشناتری باشد تا "قربانیِ حقوقِ بشر" که حتماً اشاره دارد به دستگیری‌های متعدد و سال‌های حبس و زندانِ شما. در این مورد می‌شود شرحی بدهید؟

ج: بله! من مجموعاً در حوزهٔ فعالانِ مشیِ سیاسی و نظریِ دکتر علی شریعتی و در مجموعهٔ نیروهای ملی، واردِ فعالیت‌های سیاسی شدم. از آن سال به بعد چند بار دستگیر شدم و دقیقاً چهارده سال از عمرم را در زندان گذراندم. اولین بار در سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۳ زندانی شدم. پس از آن بار دیگر در ارتباط با گروه "موحدین" دستگیر شدم. "موحدین" جریانی بود متأثر از اندیشهٔ دکتر شریعتی با تأکید بر مشیِ سیاسیِ آگاهی‌بخش و نفیِ مبارزهٔ چریکی و مسلحانه. این بار به ده سال زندان محکوم شدم و تا سال ۱۳۷۳ در زندان بودم. پس از آزادی از زندان در "دفترِ پژوهشِ دکتر شریعتی" آغاز به کار کردم و در عین حال به همکاری با مجلهٔ "کیان" و "پیامِ هاجر" پرداختم. بار دیگر در سال ۱۳۷۹ همراه با مهندس سبحانی و تعدادی دیگر از فعالانِ ائتلافِ نیروهای ملی مذهبی دستگیر شدم. اتهام ما در آن زمان براندازیِ نرم و فعالیت برای انقلابِ مخملی بود و حکمِ بدوی من ابتدا یازده سال بود. در

سال... آزاد و مجدداً دستگیر شدم و باز تا سال ۸۴ در زندان بودم. از آن سال تاکنون هم چندین بار بازداشت‌های یکی دو روزه داشته‌ام.

س: شما جایزه‌ای هم از سازمان دیده بان حقوق بشر گرفتید، از انجمن قلم دانمارک. درست است؟

ج: بله! من در سال ۱۳۸۴ برابر با ۲۰۰۵ میلادی جایزه ویژه سازمان دیده بان حقوق بشر را گرفتم از جانب انجمن قلم دانمارک و عضو افتخاری انجمن جهانی قلم شدم.

س: در حال حاضر فعالیت‌های شما چیست؟

ج: من در حال حاضر در حوزه دین، سیاست، تاریخ، و فرهنگ کار می‌کنم و در این ارتباط مقالاتی را می‌نویسم و در روزنامه‌های ایران فردا، چشم انداز ایران و پیام هاجر منتشر می‌کنم. با نیروهای ملی مذهبی همکاری می‌کنم و در جمعیت‌های مربوط به صلح و حقوق بشر در جامعه فعال هستم.

س: آقای رحمانی! با توجه به تجربیات طولانی و به عبارتی سختی که داشته‌اید، چشم‌انداز دموکراسی را در ایران چگونه می‌بینید؟

ج: از همین منظر من اخیراً پژوهشی را در تاریخ صد ساله ایران آغاز کرده‌ام. امروز اعتقاد دارم که دموکراسی در ایران، بدون جامعه مدنی پایش لنگ می‌ماند. باید به نهادهای جامعه مدنی در ایران بدون چشم داشت کمک کرد، فقط به این نیت که جامعه مدنی به وجود بیاید و قدرت بگیرد. در غیر این صورت ما نمی‌توانیم به دموکراسی برسیم. نگرش جدیدی را که معتقد به فربه کردن جامعه مدنی و نهادهای مدنی است باید به فال نیک گرفت.

س: اما می‌توان از شما پرسید با توجه به وضعیتی که وجود دارد، مثلاً اتفاقی که همین دیروز برای یک نهاد مدنی افتاد، امیدواری شما برای تحقق آن جامعه مدنی، که این طور که شما می‌گویید باید نتیجه این فعالیت‌های مدنی باشد، چقدر است؟ به اصطلاح، افق چیست؟

ج: ببینید! صد سال "دولت محوری" نیروهای آزادی خواه در ایران جواب نداده است. من امروز اعتقاد دارم که احزاب سیاسی حتی وقتی که در قدرت هستند باید به پرورش جامعه مدنی توجه ویژه بکنند. همین هجومی که به جامعه مدنی از طرف برخی احزاب درون قدرت صورت می‌گیرد، نشان می‌دهد که آنها هم می‌دانند که اگر نهادهای مدنی قدرت مند بشوند، دموکراسی هم خواهد آمد. به نظر من راه دیگری نیست. تجربه مصدق، تجربه امینی، تجربه بازرگان، تجربه بنی صدر، حتی تجربه خاتمی به ما نشان داده است که اگر کسانی به درون حکومت بروند، اگر از آزادی اندکی هم دم بزنند، تا جامعه مدنی نیرومندی نهادینه نشده و پشت آنها نباشد، کامیاب نمی‌شوند.

س: خلاصه حضور جامعه مدنی را در این مثال‌ها چگونه نشان می‌دهید؟

ج: ببینید! در غیاب جامعه مدنی، یا مردم به خیابان‌ها می‌آیند و مرده باد، زنده باد می‌گویند، یعنی انقلابی عمل می‌کنند، یا رأی‌شان را می‌دهند و می‌روند به خانه هایشان! به عبارتی از رأی خود نمی‌توانند صیانت کنند. مردم این "صیانت" از آرای خود را فقط در جامعه مدنی و با حمایت نهادهای مدنی می‌توانند انجام بدهند. بنابراین ما راهی نداریم جز اینکه جامعه مدنی را تقویت کنیم. اگر نهادهای مدنی تقویت بشوند، احزاب هم قدرت مند می‌شوند. احزاب بدون جامعه مدنی در ایران یتیم‌اند و دولت‌ها بدون جامعه مدنی خودسر می‌شوند! این را هم ما بارها دیده‌ایم که هرگاه فرد دموکراتی پای به حوزه قدرت می‌گذارد، بدون جامعه مدنی، از جانب نهادهای راست درون حکومت تحت فشار قرار می‌گیرد و بی‌پشتوانه می‌ماند. صد سال است که در تاریخ ایران، از زمان مستوفی‌الممالک تا کنون، هر نخست وزیر خوشنامی که قدری با آزادی و دموکراسی پیوند داشته، ناکام مانده است.

خانه پدری آزادی ندیده است. آزادی همیشه پشتِ درِ خانهٔ ماست. آزادیِ پایدار و برگشت‌ناپذیر، و نه آزادی‌های موسمی! این راهی است که باید رفت. اما آگاهانه! با تجربهٔ بومی، اما مهندسی شده. تجربهٔ دولت محوریِ ما پاسخ نداده است، دو انقلاب و دو دوره اصلاحات به نتیجه نرسیده است و این مسألهٔ قابلِ تأملی است که باید بر روی آن تاکید و سخت کار کرد.